

جزئیات ضربه ۲۰ میلیارد دلاری ایران به آمریکا

برآوردها نشان می‌دهد ارزش تجهیزات خسارت‌دیده آمریکا در پی ضربات نظامی اخیر سپاه، به حدود ۲۰ میلیارد دلار می‌رسد. میان تجهیزات اعلام‌شده، سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت بیشترین سهم را در ارزش مالی خسارات دارند. این سامانه‌ها از مهم‌ترین اجزای شبکه دفاع هوایی ارتش آمریکا محسوب می‌شوند و هر آتشبار کامل آن شامل رادار، مرکز کنترل آتش، رباتگرها، سامانه‌های ارتباطی و تجهیزات پشتیبانی است. براساس قراردادهای صادراتی اخیر آمریکا، ارزش هر آتشبار کامل پاتریوت حدود یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. در فهرست اعلامی سپاه، انهدام چهار مجتمع پدافندی پاتریوت و شش رادار اصلی این سامانه ذکر شده است. تنها ارزش جایگزینی این بخش، حدود پنج میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که به‌تنهایی بیش از یک‌چهارم کل برآورد خسارت‌ها را تشکیل می‌دهد.

در بخش تجهیزات هوایی، سخنگوی سپاه از انهدام دو فروند جنگنده F۱۵، یک فروند هواپیمای گشت دریایی Poseidon PA، یک فروند هواپیمای ترابری راهبردی C۱۷ Globemaster III، هشت فروند هواپیمای سوخت‌رسان و چهار فروند بالگرد سنگین خبر داده است.

آخرین نیروی هوایی آمریکا حدود ۹۵ میلیون دلار است. هواپیمای PA که ستون اصلی مأموریت‌های گشت دریایی و ضدزیردریایی آمریکا محسوب می‌شود، حدود ۲۴۰ میلیون دلار ارزش دارد و ارزش جایگزینی هر فروند C۱۷ نیز حدود ۳۴۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. در مورد هواپیماهای سوخت‌رسان، اگر مینا را نسل جدید KC۴۶ Pegasus قرار دهیم، ارزش هر فروند حدود ۲۵۰ میلیون دلار خواهد بود؛ بنابراین تنها ارزش جایگزینی هشت هواپیمای سوخت‌رسان به حدود دو میلیارد دلار می‌رسد. در مجموع، ارزش

بازار سرمایه در سال‌های اخیر بارها نشان داده، صعود شاخص‌ها بدون پشتوانه ورود سرمایه‌های جدید، دوام چندانی ندارد؛ به طوری که رشدهایی که تنها بر پایه جابه‌جایی پول میان صنایع یا تحرک چند نماد بزرگ شکل گرفته‌اند، معمولاً با نخستین موج عرضه فروکش کرده‌اند. اما این بار و این روزها نشانه‌های متفاوتی در تالار شیشه‌ای دیده می‌شود. بر این اساس، ورود بیش از ۱۲ هزار میلیارد تومان پول حقیقی طی تنها دو روز معاملاتی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران حقیقی پس از ماه‌ها احتیاط، دوباره بورس را به‌عنوان مقصد سرمایه‌گذاری انتخاب کرده‌اند. این تغییر رفتار، می‌تواند نشانه‌ای از بازسازی تدریجی اعتماد باشد؛ اعتمادی که در سال‌های گذشته بارها آسیب دید و خروج سرمایه را از تالار شیشه‌ای به دنبال داشت.

از سوی دیگر، فراگیر بودن رشد بازار سهام نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که زمانی که نزدیک به تمام نمادها در مدار مثبت قرار می‌گیرند و رشد بازار سهام به چند سهم شاخص‌ساز محدود نمی‌شود؛ می‌توان از افزایش عمق تقاضا سخن گفت. چنین وضعیتی معمولاً از مشارکت گسترده‌تر سرمایه‌گذاران حکایت دارد و پایداری بیشتری نسبت به رشد‌های محدود و مقطعی ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، همزمان، آرام‌تر شدن بازارهای رقیب نیز در تقویت بورس بی‌تأثیر نبوده است؛ جایی که کاهش نوسانات در بازار ارز و طلا، بخشی از سرمایه‌های سرگردان را به سمت بازار سهام سوق داده و موجب شده است بورس دوباره در کانون توجه سرمایه‌گذاران قرار گیرد. البته این مزیت تا زمانی پابرجا خواهد بود که سایر بازارها وارد فاز جدیدی از نوسان نشوند.

بورس، امروز بیش از آنکه به رکوردهای شاخص نیاز داشته باشد، به سرمایه‌های تازه نیاز دارد. از این رو، اگر این موتور نقدینگی همچنان روشن بماند، عبور از قله‌های جدید دور از انتظار نخواهد بود، اما اگر ورود پول متوقف شود، حتی بالاترین ارقام شاخص نیز نمی‌توانند به‌تنهایی ضمان تداوم رونق بازار باشند. در واقع باید اذعان داشت آینده بورس نه در ارتفاع و تداوم رشد، بلکه در مسیر حرکت نقدینگی تعیین خواهد شد.

انتشار آمار متغیرهای پولی سال ۱۴۰۴ بار دیگر همان بحث آشنا را به صفحات روزنامه‌ها و میزهای کارشناسی بازگرداند. رشد پایه پولی و نقدینگی بالاتر از سال‌های پیشین ثبت شد و بلافاصله، طیفی از تحلیل‌ها، این رشد را زنگ خطر تورمی ماه‌های آینده خواندند. این واکنش در نگاه نخست، منطقی به نظر می‌رسد. نقدینگی و تورم در بلندمدت ارتباطی شناخته‌شده دارند اما مسئله از جایی آغاز می‌شود که این رابطه، به یک رابطه علی‌کیسویه و مکانیکی تقلیل پیدا می‌کند. گویی نقدینگی همواره علت است و هرگز معلول.

تقاضا، منم تورم!

جریان غالب اقتصاد، در برابر این تشخیص، پنج توصیه سیاستی را پیش می‌نهد که هرکدام به ظاهر مستقل اما در باطن، از یک ریشه فکری تغذیه می‌شوند. نخست، متوازن‌سازی بودجه از طریق کاهش بارانه‌ها، تقویت پایه‌های مالیاتی و کوچک‌سازی پیکره دولت است. دوم، استقلال بانک مرکزی از دولت، به گونه‌ای که هزینه‌های دیگری نتواند به سادگی از منابع بانکی استقراض کند. سوم، افزایش نرخ بهره برای سرد کردن اقتصاد و کاستن از انگیزه تسهیلات‌گیری است. چهارم، اصلاح یا تعطیلی بانک‌های ناتراز که با خلق پول بدون پشتوانه، فشار ماضعی بر پایه پولی وارد می‌کنند و پنجم، حرکت به سمت نظام ارزی شناور یا شناور مدیریت‌شده و کنار گذاشتن ارز ترجیحی است.

هیچ‌کدام از این پنج توصیه، فی‌نفسه نادرست یا بی‌فایده نیست. مشکل جای دیگر نهفته است. در این که هر پنج مسیر، از زاویه‌ای واحد به مسئله



تقریبی تجهیزات هوایی اعلام‌شده، بدون احتساب آشیانه‌ها و زیرساخت‌های نگهداری، حدود سه میلیارد دلار برآورد می‌شود. یکی دیگر از بخش‌های مهم فهرست خسارات، مربوط به ناوگان پهبادی ارتش آمریکاست، بر اساس این آمار، ۱۷ فروند پهباد شناسایی و رزمی، از جمله هشت فروند که هنوز وارد چرخه عملیاتی نشده بودند، منهدم شده‌اند. اگر این پهبادها را از خانواده MQ۹Reaper در نظر بگیریم، ارزش هر فروند حدود ۳۰ تا ۳۵ میلیون دلار است؛ بر این اساس،

بر آورد انجام‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که با فرض صحت فهرست خسارات اعلام‌شده، ارزش جایگزینی تجهیزات و زیرساخت‌های مورد اشاره در بازه زمانی ۱۷ تا ۳۱ تیرماه، حدود ۲۰ میلیارد دلار است. این برآورد بر پایه قیمت‌های شناخته‌شده تجهیزات نظامی آمریکا، قراردادهای دفاعی، اسناد بودجه وزارت دفاع ایالات متحده و ارزش جایگزینی زیرساخت‌های مشابه انجام شده است.

ارزش تقریبی پهبادهای ازدست‌رفته به حدود ۵۵۰ میلیون دلار می‌رسد. علاوه بر آن، سپاه از انهدام شش آشیانه نگهداری MQ۹ نیز خبر داده است. ارزش ساخت و تجهیز هر یک از این آشیانه‌ها حدود ۱۰ تا ۱۵ میلیون دلار برآورد می‌شود. **مراکز فرماندهی، قلب عملیات نظامی** در فهرست خسارات اعلام‌شده، انهدام هفت مرکز فرماندهی و کنترل و دو مرکز فرماندهی

اقتصادی

با فرض میانگین ۲۰۰ میلیون دلار برای هر مرکز، ارزش جایگزینی ۹ مرکز فرماندهی حدود یک و هشت‌دهم میلیارد دلار خواهد بود. بخش قابل‌توجهی از خسارات اعلام‌شده به سامانه‌های راداری اختصاص دارد. براساس آمار منتشرشده، شش رادار پاتریوت، هفت رادار دفاع موشکی، هشت سامانه هشدار اولیه، پنج رادار برد بلند، سه رادار کنترل هوایی و دریایی، سه سامانه راداری EPS و دو رادار EPS۱۱۷ هدف قرار گرفته‌اند. رادارهای نظامی‌ای از پیچیده‌ترین تجهیزات الکترونیکی ارتش آمریکا هستند و بسته به نوع مأموریت، ارزش هر یک از آنها از ده‌ها میلیون دلار تا بیش از ۱۵۰ میلیون دلار متغیر است. با محاسبه ارزش جایگزینی این سامانه‌ها، خسارت وارده‌شده به شبکه راداری آمریکا حدود سه میلیارد دلار برآورد می‌شود.

انبارهای مهمات و زاغه‌های موشکی در حوزه لجستیک، سپاه از انهدام ۱۷ انبار تسلیحاتی، شش زاغه موشکی، سه مرکز لجستیک، شش مرکز تعمیر و نگهداری جنگنده و بالگرد و ۱۲ مخزن سوخت خبر داده است. اگرچه ارزش دقیق محتویات این انبارها مشخص نیست، اما بر اساس هزینه ساخت، تجهیزات داخلی و ارزش تقریبی مهمات ذخیره‌شده، می‌توان ارزش هر انبار را حدود ۱۲۰ میلیون دلار و هر زاغه موشکی را حدود ۲۰۰ میلیون دلار برآورد کرد. در مجموع، ارزش این بخش از خسارات حدود چهار میلیارد دلار تخمین زده می‌شود.

میان خسارات اعلام‌شده مواردی همچون مرکز داده اطلاعاتی، مرکز پرسدازش هوش مصنوعی، دو مرکز مخابرات سیگنالی، سه سامانه ارتباط ماهواره‌ای، اسکله سوخت، ایستگاه پمپاژ سوخت، رمپ‌های پروازی، شلترهای جنگنده، آشیانه‌های هواپیما و سوله‌های نگهداری نیز دیده می‌شود. اگرچه قیمت رسمی چنین تأسیساتی منتشر نمی‌شود اما با استناد به پروژه‌های مشابه وزارت دفاع آمریکا، ارزش این بخش نیز بین دو تا سه میلیارد دلار برآورد می‌شود.

هزینه واقعی خسارات

کارشناسان صنایع دفاعی معتقدند ارزش خرید تجهیزات تنها بخشی از هزینه واقعی است. انتقال تجهیزات از آمریکا به منطقه، نصب، آزمایش، آموزش نیروها، تأمین قطعات یدکی، بازسازی زیرساخت‌ها و آماده‌سازی مجدد پایگاه‌ها، معمولاً بین ۲۰ تا ۵۰ درصد به هزینه جایگزینی می‌افزاید.

از این رو، اگر ارزش اسامی تجهیزات اعلام‌شده حدود ۲۰ میلیارد دلار باشد؛ هزینه واقعی بازگرداندن کامل ظرفیت عملیاتی می‌تواند به ۲۴ تا ۳۰ میلیارد دلار برسد.

برای درک بهتر این رقم، کافی است آن را با برخی قراردادهای نظامی آمریکا مقایسه کنیم. با ۲۰ میلیارد دلار می‌توان بیش از ۲۱۰ فروند جنگنده F۱۵EX خریداری کرد؛ یا حدود ۸۳ فروند هواپیمای Poseidon PA، ۵۸ فروند C۱۷ Globemaster III یا نزدیک به ۱۸ آتشبار کامل پاتریوت تهیه کرد.

از سوی دیگر، این رقم حدود دو درصد بودجه دفاعی سالانه ایالات‌متحده را تشکیل می‌دهد. هر چند در مقیاس کل بودجه نظامی آمریکا سهم بزرگی محسوب نمی‌شود اما تمرکز چنین خسارتی در یک منطقه عملیاتی، می‌تواند آثار مهمی بر آمادگی رزمی، پشتیبانی و زمان بازسازی تجهیزات به‌جای بگذارد.

میان تجهیزات اعلام‌شده سامانه‌های دفاع موشکی پاتریوت بیشترین سهم را در ارزش مالی خسارات دارند. تنها ارزش جایگزینی این بخش، حدود پنج میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار برآورد می‌شود؛ رقمی که به‌تنهایی بیش از یک‌چهارم کل برآورد خسارت‌ها را تشکیل می‌دهد.

برآورد انجام‌شده در این گزارش نشان می‌دهد که با فرض صحت فهرست خسارات اعلام‌شده از سوی سخنگوی سپاه پاسداران، ارزش جایگزینی تجهیزات و زیرساخت‌های مورد اشاره در بازه زمانی ۱۷ تا ۳۱ تیرماه، حدود ۲۰ میلیارد دلار است. این برآورد بر پایه قیمت‌های شناخته‌شده تجهیزات نظامی آمریکا، قراردادهای دفاعی، اسناد بودجه وزارت دفاع ایالات‌متحده و ارزش جایگزینی زیرساخت‌های مشابه انجام شده است.

این حال، این رقم نباید به‌عنوان خسارت قطعی تلقی شود؛ چرا که قیمت برخی زیرساخت‌ها مانند مراکز داده، مراکز فرماندهی، انبارهای مهمات و تأسیسات ارتباطی به‌دلیل نبود اطلاعات عمومی، براساس پروژه‌های مشابه تخمین زده شده است. **خبرگزاری تسنیم**

ناباید هر رکوردی را به معنای آغاز یک روند بلندمدت دانست؛ چرا که تجربه بازار سرمایه نشان داده است پس از دوره‌های رشد پرشتاب، شناسایی سود از سوی بخشی از معامله‌گران امری طبیعی است و این موضوع می‌تواند به افزایش عرضه‌ها منجر شود.

شاخص کاشی و سرامیک نیز با رشد دو و ۹۷ صدم درصدی به سطح تاریخی ۱۴۳ هزار واحد رسید. شاخص صنعت رادیویی با همین میزان افزایش در سطح ۱۰ هزار و ۷۹۸ واحد قرار گرفت و رشد آن از ابتدای سال به ۹۷ درصد رسید. همچنین شاخص فنی و مهندسی با رشد دو و ۹۶ صدم درصدی در سطح تاریخی ۱۷ هزار و ۱۳۳ واحد ایستاد و رشد آن از ابتدای سال به ۹۲ درصد رسید. شاخص بیمه و بازنشتنگی نیز با رشد دو و ۹۶ صدم درصدی به سطح تاریخی ۱۷۸ هزار و ۴۷۷ واحد رسید و رشد ۳۹ درصدی را از ابتدای سال ثبت کرد. شاخص استخراج کانه‌های فلزی از ابتدای به‌ارشد دو و ۹۵ صدم درصدی در سطح تاریخی ۷۸۹ هزار واحد قرار گرفت و رشد آن از ابتدای سال به ۵۲ درصد رسید. در ادامه، شاخص صنعت فلزات اساسی ۴۹ درصد، ماشین‌آلات ۴۸ درصد، بیمه و بازنشتسگی ۳۹ درصد و دستگاه‌های برقی ۳۴ درصد رشد کردند و هر یک در پایان مبادلات روز چهارشنبه در بالاترین سطح تاریخی خود قرار گرفتند. با این حال، نرخ سالیانه گذشته نشان داده، دوام روندهای صعودی در بازار سرمایه، بیش از هر عامل دیگری به استمرار ورود سرمایه‌های جدید و حفظ برتری سمت تقاضا وابسته است. از این رو، اگر جریان ورود پول حقیقی در روزهای آینده نیز ادامه یابد، بورس می‌تواند همچنان به ثبت رکوردهای جدید امیدوار باشد؛ اما در صورت نوسانات در بازار ارز و طلا موجب شده بخشی از افزایش در سطح ۴۰۷ هزار واحد ایستاد و رشد ۵۱ درصدی را از ابتدای سال ثبت کرد. شاخص صنعت انتشار و چاپ نیز با رشد دو و ۹۷ صدم درصدی به سطح تاریخی ۱۲۶ هزار و ۱۹۲ واحد قرار گرفت و رشد آن از ابتدای اسمال به ۶۷ درصد رسید. شاخص سایر معادن با همین میزان افزایش در سطح ۴۰۷ هزار واحد ایستاد و رشد ۵۱ درصدی را از ابتدای سال ثبت کرد. شاخص صنعت انتشار و چاپ نیز با رشد دو و ۹۷ صدم درصدی به سطح تاریخی ۱۲۶ هزار و ۱۹۲ واحد قرار گرفت و رشد آن از ابتدای سال به ۸۵ درصد افزایش یافت. شاخص وسایل نقلیه، احتمال افزایش همین میزان رشد در سطح ۴۷ هزار واحد قرار گرفت و از ابتدای سال ۶۱ درصد افزایش داشته است.

مانند ایران است. در نگاه ساده شده، بانک مرکزی همچون شیر آبی تصور می‌شود که هر قدر بخواهد می‌تواند آن را باز یا بسته نگه دارد و نقدینگی، محصول اراده مستقل سیاست‌گذار است. اما واقعیت پیچیده‌تر است. بخش قابل توجهی از رشد نقدینگی در سال‌های اخیر، از دل استقراض دولت برای جبران کسری بودجه سربرآورده است؛ نه صرفاً بی‌انضباطی مالی.

مسیری که باید در پیش گرفت آنچه اقتصاد ایران در این برهه نیاز دارد، تشخیصی دقیق‌تر از محل واقعی بیماری است. نرخ ارز، همچنان مهم‌ترین متغیری است که بی‌ثباتی آن زنجیره قیمت‌ها را در سراسر اقتصاد به لرزه درمی‌آورد.

بازتولید کالای بی‌ثبات‌بخشی به این متغیر، از طریق تقویت منابع ارزی پایدار، مدیریت هوشمندانه تحریم‌ها و اصلاح تدریجی و حساب‌شده نظام تخصیص ارز متمرکز شود و کمتر بر فشردن بیشتر تقاضای داخلی متمرکز باشد. سیاست‌های انقباضی، بدون درمان ریشه‌ای مسئله ارز، دستاوردی جز تحمیل رکود بر اقتصادی که همین حالا هم زیر بار تحریم و فشار خارجی خمیده است، به همراه نخواهد داشت. راه‌برف‌نوع از تورم ساختاری ایران، هر جهش ارزی، با فاصله‌های نیست و در بازسازی ثبات نرخ ارز و تقویت بیشتر تقاضای واقعی تولید نهفته است. تا این تشخیص اصلاح نشود، هر نسخه‌ای، هر چند در ظاهر علمی، در عمل فقط تب را فرو می‌نشاند و بیماری را در جای خود باقی می‌گذارد.

پول به مثابه پیامد نه پیشان نکته‌ای که در نسخه‌های رایج پدیدآورده گرفته می‌شود، ماهیت درون‌زوی پول در اقتصادهایی

صفحه ۱۲

سه‌شنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۵

۲۷ صفر ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۰۸

دبیرکل انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران مطرح کرد مشکلات صنایع از آب و برق تا ارز

صنعت لوازم خانگی در محاصره کمبود ارز، قطعی انرژی، گرانی مواد اولیه و رکود بازار با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است؛ «امیدفاصلی‌نا» دبیر انجمن تولیدکنندگان لوازم خانگی ایران در گفت‌وگویی، ضمن تشریح ابعاد این مشکلات، نسبت به گسترش توقف خطوط تولید هشدار می‌دهد و راهکارهای اجرایی برای تأمین مواد اولیه و حفظ چرخ تولید ارائه می‌کند.

آخرین وضعیت صنایع تولیدی کشور به چه صورت است؟ در حال حاضر تولیدکنندگان در بخش‌های مختلف نظیر تأمین ارز، برق، مواد اولیه و تولید لوازم خانگی با چه چالش‌هایی روبرو هستند؟

ما در سال‌های گذشته شاهد مشکلات عدیده‌ای در حوزه تولید بودهایم و متأسفانه هر سال به تعداد این مشکلات افزوده می‌شود. به جای اینکه جلسات دستگاه‌های مختلف از حجم این مشکلات بکاهد، روزانه شاهد موانع جدید بر سر راه تولید هستیم.

در حال حاضر، میانگین زمان تخصیص ارز برای تولید به بالای ۳۲۰ روز رسیده و در مواردی تا ۴۰۰ روز هم طول می‌کشد؛ این یعنی تولیدکننده عملاً سالی یک بار می‌تواند تخصیص ارز بگیرد. این مسئله هزینه سربار سنگینی به تولید تحمیل می‌کند؛ چرا که ۴۰ درصد قیمت تمام‌شده کالا مربوط به هزینه‌های ثابت است؛ یعنی واحد تولیدی چه کار بکند و چه کار نکند، باید این ۴۰ درصد هزینه را پرداخت کند که بار بسیار سنگینی است. نبود ارز، کمبود مواد اولیه و ناترازی انرژی همگی دست به دست هم داده‌اند تا چرخ تولید را متوقف کنند، زمان تولید را محدود سازند و هزینه‌ها را بالا ببرند. در حال حاضر واحدهای تولیدی در برخی مناطق یک و گاهی دو روز در هفته برق ندارند. اسمال بیش از ۳۰ درصد از ظرفیت تولید گاز نیز در شرایط جنگی از مدار خارج شده و مشکلات حوزه آب هم به قوت خود باقی است.

دستور رئیس‌جمهور درخصوص تأمین برق صنایع به کجا رسید و آیا عملیاتی شد؟ این دستورات باید عملیاتی شوند، اما ما هنوز شاهد هیچ‌گونه عملیات اجرایی در این حوزه نبودهایم. علاوه بر ناترازی شدید، اسمال با افزایش ناگهانی بهای انرژی مواجه شدیم؛ به طوری که قیمت گاز هفت برابر، برق ۹ برابر و آب ۱۱ برابر شده است. این جهش‌های قیمتی یک‌باره اصلاً معقول نیست و نه به سود تولیدکننده است، نه مصرف‌کننده و نه در این شرایط به مصلحت کشور. این کار باید بر اساس یک جدول زمان‌بندی و با شیپی متناسب انجام می‌شد.

علاوه بر ناترازی شدید، اسمال با افزایش ناگهانی بهای انرژی مواجه شدیم؛ به طوری که قیمت گاز ۷ برابر، برق ۹ برابر و آب ۱۱ برابر شده است. این جهش‌های قیمتی یک‌باره اصلاً معقول نیست و نه به سود تولیدکننده است، نه مصرف‌کننده و نه در این شرایط به مصلحت کشور. این کار باید بر اساس یک جدول زمان‌بندی و با شیویی متناسب انجام می‌شد.

وضعیت تأمین سرمایه در گردش و تسهیلات بانکی برای واحدهای صنعتی چگونه است؟ موضوع سرمایه در گردش و سرمایه ثابت حیاتی است اما منابع مالی بسیار کمی در دسترس بخش تولید قرار می‌گیرد. آمارها نشان می‌دهند سال گذشته کمتر از ۳۰ درصد منابع مالی کل کشور به بخش تولید و صنعت تخصیص یافته و بیش از ۷۰ درصد در بخش‌های غیرمولد هزینه شده است.

از طرفی با مشکل گران بودن بول مواجه هستیم. در شرایط رکودی فعلی، کالاهارا با اقساط ۱۸ ماهه عرضه می‌کنند اما نرخ سود تسهیلات بانکی برای تولیدکننده در نهایت با قیمت تمام‌شده‌ای نزدیک به ۵۰ درصد محاسبه می‌شود. در هیچ جای دنیا با چنین شاخص‌هایی از تولید حمایت نمی‌کنند.



آیا آماری از حجم سالانه قاچاق لوازم خانگی در کشور وجود دارد؟ سال گذشته آمار قاچاق در حوزه لوازم خانگی را بین یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون تا دو میلیارد دلار اعلام کردند. قاچاق به دلیل سود سرشار، عدم پاسخگویی و معافیت از قیمت‌گذاری دستوری، جذایت بالایی دارد. حتی کالای قاچاق توسط سازمان اموال تملیکی توقیف می‌شود اما دوباره توسط خود این سازمان فروخته و روانه بازار می‌شود. وقتی رهبر شهید انقلاب بارها تأکید کرده‌اند کالای قاچاق باید امحاء شود، چرا دولت با فروش مجدد آن را وارد بازار می‌کند؟ این چه نوع حمایتی از تولید داخلی است؟ **هزینه‌های لجستیک و حمل‌ونقل بین‌المللی برای صنایع به چه صورت تغییر کرده است؟**

هزینه‌های حمل‌ونقل بیش از هشت برابر شده و هزینه بیمه کالاها نیز به دلیل بالا رفتن ریسک‌های محیطی و شرایط منطقه ۹ برابر افزایش یافته است. متأسفانه تصمیمات در نظام تصمیم‌گیری کشور اقتضایی و متناسب با شرایط سخت نیست و تسهیلگری در رویه‌های اجرایی دیده نمی‌شود. **نیاز برای اصلاح صنعت لوازم خانگی چقدر است و ارز تخصیصی وزارت صمت در سال جاری چه تغییری داشته است؟**

نیاز ارزی صنعت لوازم خانگی سالانه حدود یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار است که اسمال تخصیص مناسبی انجام نشده سقف ارز تخصیصی وزارت صمت به کل بخش صنعت در سال‌های گذشته ۴۳ میلیارد دلار بود. این رقم در سال گذشته به ۲۲ میلیارد دلار رسید و اسمال صحبت از ۱۶ میلیارد دلار است که در واقعیت چیزی در حدود ۱۰ میلیارد دلار بیشتر تخصیص نخواهد یافت. این کاهش شدید در حالی رخ می‌دهد که طرح‌های توسعهای متعددی تعریف شده بود و صنعت به ارز بیشتری نیاز داشت.

در حال حاضر، میانگین زمان تخصیص ارز برای تولید به بالای ۳۲۰ روز رسیده و در مواردی تا ۴۰۰ روز هم طول می‌کشد؛ این یعنی تولیدکننده عملاً سالی یک بار می‌تواند تخصیص ارز بگیرد. این مسئله هزینه سربار سنگینی به تولید تحمیل می‌کند؛ چرا که ۴۰ درصد قیمت تمام‌شده کالا مربوط به هزینه‌های ثابت است؛ یعنی واحد تولیدی چه کار بکند و چه کار نکند؛ باید این ۴۰ درصد هزینه را پرداخت کند که بار بسیار سنگینی است.

راهکارهای پیشنهادی شما برای خروج از مشکلات، بدون نیاز به منابع مالی جدید چیست؟ راهکارهای متعددی وجود دارد که نیاز به منابع مالی ندارد و فقط نیازمند تصمیم‌گیری شجاعانه هستند. اول پذیرش اوراق گام توسط بخش‌های دولتی است؛ دولت برای کنترل پایه پولی اقدام به انتشار اوراق می‌کند. پیشنهاد ما این است که بنگاه‌های ارزی، سازمان امور مالیاتی، سازمان تأمین اجتماعی و شرکت‌های بزرگی مثل فولاد مبارکه این اوراق گام را به عنوان طلب خود از تولیدکننده بپذیرند تا هزینه تنزیل این اوراق به دوش تولیدکننده نیفتد.

یک راهکار؛ اصلاح فرایند بانکی و وثیقه‌گذاری است. بانک‌های عامل پس از حدود ۴۰۰ روز انتظار تولیدکننده برای ارز، از او می‌خواهند معادل ریالی ارز را واریز کند و سپس این پول را تا ۵۰ روز بلوکه می‌کنند؛ در حالی که تولیدکننده باید سود تسهیلات آن را پرداخت کند. این بلوکه کردن پول عملاً گروگان‌گیری منابع تولیدکننده است و باید متوقف شود. راهکار دیگر اینکه ما مبالغ سنگینی پول بلوکه‌شده در چین داریم. راهکار پیشنهادی این است که وزارت صمت میزان سهمیه تأییدشده هر تولیدکننده را مشخص کند. بانک مرکزی به جای اینکه تولیدکننده را ۳۰۰ تا ۴۰۰ روز در صف تخصیص ارز معطل کند، به بانک چینی اعلام کند که بر اساس لیست وزارت صمت، خریده‌ای این تولیدکنندگان ایرانی را نزد شرکت‌های تأمین‌کننده چینی تضمین کند. بانک چینی کالا و مواد اولیه را به طرف ایرانی تحویل می‌دهد و ضمانت آن را برعهده می‌گیرد؛ تولیدکننده داخلی نیز معادل ریالی آن را در داخل به بانک مرکزی تحویل می‌دهد. با این روش، کالا بدون معطلی وارد فرایند تولید شده و ارز آن یک سال یا چند ماه بعد به طرف چینی پرداخت می‌شود. این کار چرخ تولید را زنده نگه می‌دارد و مانع از خوابیدن کارخانه‌ها می‌شود. اجرای این طرح نیازمند منابع جدید نیست، بلکه فقط تصمیم‌گیری شجاعانه و هماهنگی میان بانک مرکزی و وزارت صمت را می‌طلبد.

خبرگزاری فارس

افزایش نقدینگی

آدرس اشتباه تورم



واسطه‌ای‌اش وارداتی است. در چنین شرایطی، انتظار ثبات قیمت‌ها، انتظاری است شبیه به خواستن از کشتزاری که با آب شور آبیاری می‌شود تا محصولی سالم بدهد. وقتی نهاده اصلی تولید، یعنی ارز، هر چند ماه یک بار جهشی چند ده درصدی را تجربه می‌کند؛ بنگاه اقتصادی چارهای جز انتقال این هزینه به قیمت تمام‌شده کالا ندارد. این همان چیزی است که در ادبیات اقتصادی «تورم فشار هزینه» نامیده می‌شود. تورمی که از سمت عرضه و هزینه تولید سرچشمه می‌گیرد؛ نه از فوران بی‌ضابطه تقاضا. تجربه تاریخی ایران، از دهه ۱۳۷۰ شمسی تا امروز، بارها همین الگو را بازتولید کرده است. هر جهش ارزی، به سربوץ بیشتر تقاضا، کوتاه‌به جهش قیمت کالاها منقل شده؛ در حالی‌که رشد نقدینگی در بسیاری از این دوره‌ها، حتی از رشد نرخ ارز عقب مانده است.

پول به مثابه پیامد نه پیشان نکته‌ای که در نسخه‌های رایج پدیدآورده گرفته می‌شود، ماهیت درون‌زوی پول در اقتصادهایی